

مناسبات جنسیتی در فضاهای روستایی و تأثیر آن بر مشارکت زنان؛ (مطالعه مقایسه‌ای دهستان مریدان شهرستان لنگرود و دهستان هولی شهرستان پاوه)

فضیله خانی* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و عضو قطب برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
شهلا چوبچیان - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۱۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۳/۲۴

چکیده

این ذهنیت که روستا فضایی است محصور در مکانی خاص با مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی و جغرافیایی باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. برای درک بهتر ویژگی‌های روستایی به شناخت عمیق‌تری از فضای روستایی که در آن روابط اجتماعی و مناسبات جنسیتی به خوبی قابل درک باشد، نیاز است. مکان‌های روستایی همانند دیگر مکان‌های جغرافیایی فضاهایی به شدت جنسیتی هستند و تمامی رفتارها و عملکردها بازتابی از نگرش‌ها، عقاید و دیدگاه‌های در خصوص جایگاه و نقش‌ها و وظایف دو جنس است. پژوهش حاضر با تکیه بر تحلیل جنسیتی به دنبال شناخت تأثیر فضاهای جغرافیایی حاکم بر روستاها بر نوع نگرش به کار زنان و مشارکت آنان است. روش به کار رفته در تحقیق، پیمایشی - توصیفی است و داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ محاسبه شد و با رقم ۰/۸۸ برای گویه‌های مربوط به مشارکت زنان، با رقم ۰/۹۳ برای نگرش مردان به کار زنان و با رقم ۰/۹۰ برای نگرش زنان به کار خود، مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق، زنان و مردان ساکن در روستای دهستان مریدان از توابع شهرستان لنگرود و دهستان هولی از توابع شهرستان پاوه بوده‌اند. از مجموع جامعه آماری، ۱۲۴ نفر از شهرستان لنگرود و ۱۰۶ نفر از شهرستان پاوه از طریق فرمول کوکران به‌طور تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج و تحلیل آزمون‌ها در SPSS نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین زنان شهرستان‌های لنگرود و پاوه در خصوص نگرش‌شان به حقوق اجتماعی و وظایف‌شان وجود دارد. همچنین بین نگرش مثبت زنان به خود، تمایل زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی، تمایل و نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان با متغیر مشارکت زنان در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این، در سطح ۹۹ درصد تفاوت معنی‌داری بین نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان در بین دو شهرستان دیده شد. با توجه به متفاوت بودن محیط جغرافیایی دو منطقه مورد مطالعه - که منجر به دو نوع معیشت متفاوت می‌شود - فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت در نگرش‌های موجود در مورد کار و مشارکت زنان، تأیید می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مناسبات جنسیتی، فضاهای روستایی، مشارکت زنان، نگرش مردان، پاوه، لنگرود.

مقدمه

در سال‌های اخیر توجه به مسائل زنان در جغرافیای روستایی افزایش یافته است. موضوعات بسیار بحث‌انگیزی در مورد مناسبات جنسیتی در فضاهای روستایی در این قالب مطرح می‌شود و در آنها ماهیت و دلایل بروز نابرابری جنسیتی در این مناطق تبیین می‌شود. با وجود این، مطالعات اندکی در مورد چگونگی بروز رفتارهای جنسیتی در جوامع روستایی در کشور صورت گرفته است. باید توجه داشت که تحلیل جنسیتی خود به تنهایی می‌تواند فهم عمیق‌تری را از ساختار جنسیتی اجتماع در فضای روستایی به دست دهد. از طریق تحلیل جنسیتی موضوعات اجتماعی مورد نقد قرار می‌گیرد و امکان مطالعه وضعیت موجود از منظر مسائل جنسیتی فراهم می‌گردد. این نوع نگرش در واقع معرف دیدگاه‌ها و مفاهیم فرهنگی درباره حقوق و مسئولیت‌های زنان و مردان و چگونگی تعامل این حقوق و مسئولیت‌هاست. بنابراین تحلیل جنسیتی نشان می‌دهد که زنان و مردان چه کارهایی را به چه دلیل انجام می‌دهند، به عبارت دیگر بیانگر نحوه تقسیم کار بین دو جنس و نحوه دستیابی نسبی آنان به منابع و منافع به دست آمده است و همچنین نیازهای خاص زنان و مردان و علت ظهور این نیازها را روشن می‌سازد. این تحلیل از این رو مهم است که کار زنان و مردان به طور برابر ارزش‌گذاری نمی‌شود (Jafari, 2005, 247). در واقع تحلیل جنسیتی بین عوامل مذکور و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی از طریق تبیین فرصت‌ها یا الزامات برای بهبود شرایط برابری جنسیتی ارتباط برقرار می‌سازد. زمانی که این اطلاعات بخوبی شناخته و گردآوری شوند، امکان دستیابی به راهبردی مناسب در توسعه (برای مثال برنامه‌ریزی روستایی حساس به جنسیت) برای رسیدن به برابری جنسیتی فراهم می‌شود.

بدین ترتیب ساختار هر جامعه، از عوامل مهم در ساخت مکانی به شمار می‌آید. جغرافیای مدرن با تکیه بر پدیده‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی، مکان را به نواحی خاص و منحصر به فردی بدل می‌سازد که در آن شخص، زمان و عمل آگاهانه با یکدیگر بخش واحدی را تشکیل می‌دهند (خانی، ۱۳۸۶، ۱۶۴). از نظر ماسی، مکان به عنوان فرایندی متغیر و انعطاف‌پذیر که از نظر تاریخی شامل موقعیت خاصی می‌شود و دارای ساختار اجتماعی است در نظر گرفته

شده است (Massy, ۱۹۹۴). در مطالعات جنسیتی روستایی، شکل غالب هویت زنانه در جوامع زراعی با نقش سنتی همسر کشاورز بودن پیوند خورده است (Asztalos Morell, ۲۰۰۸). از آنجا که فضاهای جغرافیایی بر روی نوع معیشت اثر می‌گذارد، در دو فضای جغرافیایی متفاوت می‌توان دو کارکرد اقتصادی و بهره‌برداری متفاوت از زمین را مشاهده کرد که هر دو ناگزیر بر مناسبات اجتماعی و رفتارهای انسانی تأثیر می‌گذارند. روابط جنسیتی نیز از این امر مستثنی نیست و بنابر این انتظار می‌رود که در دو محیط جغرافیایی متفاوت، نوع نگرش و مناسبات جنسیتی با یکدیگر متفاوت باشند. این وضعیت گاه بازار کار تفکیک‌شده بر حسب جنسیت را به وجود می‌آورد. این بازار زمانی شکل می‌گیرد که زنان و مردان در اشتغالات متفاوتی حضور بیشتری می‌یابند (Negrey and Rausch, ۲۰۰۹).

نوع معیشت، اشتغال و اقتصاد حاکم بر منطقه از عوامل اصلی خلق‌کننده فضاهای جنسیتی به شمار می‌آید، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد فعالیت کشاورزی که مستلزم به‌کارگیری نیروی انسانی و بعضاً نیروی کار خانوادگی است، نه تنها در فصل کار بلکه تقریباً در تمام فصول سال زنان را به نوعی درگیر کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن می‌کند. این امر به وجود آورنده شکلی از روابط جنسیتی است که در آن زنان آزادی، اختیارات و نقش فعال‌تری دارند و خودبه‌خود زمینه مشارکت مؤثرتری برای‌شان فراهم می‌شود. باید در نظر داشت که در چنین جامعه‌ای نگرش مردان نیز به قابلیت‌های زنان مثبت است. در مقابل، برخی دیگر از فعالیت‌های اقتصادی در روستاها وجود دارد که در مقایسه با کشاورزی، کمتر به نیروی کار زنان نیاز دارد، که از آن جمله می‌توان از دامداری نام برد که به ویژه نوع شبانی آن را عمدتاً مردان انجام می‌دهند. در چنین محیطی، نقش زنان تحت‌الشعاع فضای مردانه قرار می‌گیرد و این امر نه تنها بر نگرش مردان به حقوق و وظایف زنان تأثیر دارد، بلکه نگرش زنان به خودشان را نیز مغشوش می‌کند و زنان خودشان را در موقعیت تابع و منفعل می‌بینند.

برای سنجش تأثیر فضای جغرافیایی بر شکل‌گیری این مناسبات بر آن شدیم که دو منطقه متفاوت جغرافیایی با دو کارکرد معیشتی و فرهنگی مختلف را انتخاب کنیم. دو منطقه مورد نظر مناطق روستایی دهستان مریدان شهرستان لنگرود و دهستان هولی شهرستان پناه

هستند. در این مناطق در پی پاسخ به سئوالات زیر بودیم:

- (۱) آیا بین نگرش مردان به فعالیت زنان در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و شهرستان پاوه - دهستان هولی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- (۲) آیا تفاوت معنی‌داری بین نگرش زنان به توانایی‌ها و فعالیت‌های‌شان در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و شهرستان پاوه - دهستان هولی وجود دارد؟
- (۳) آیا بین مشارکت زنان در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان با مشارکت زنان در شهرستان پاوه - دهستان هولی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- (۴) چه نوع رابطه‌ای بین نگرش زنان به خود، تمایل زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی ارتقای مهارت، تمایل مردان به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و نگرش مردان به فعالیت زنان با متغیر مشارکت زنان وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

توجه به زنان روستایی در کشورهای جهان سوم و نقش آنها در فرایند توسعه، عمدتاً مورد غفلت قرار گرفته است و در صورت توجه به این مقوله، صرف توجه به زنان و نادیده انگاشتن کارکرد و نقش مردان موجب شکست پروژه‌های با محوریت زنان می‌شود. باور نداشتن جامعه روستایی به اهمیت نقش بانوان و بی‌توجهی دست‌اندرکاران برنامه‌ها به روابط و مناسبات جنسیتی موجب می‌شود که در اغلب این کشورها، زنان روستایی عناصری حاشیه‌ای، غیرفعال و غیرمولد قلمداد شوند و در بهره‌مندی از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، ارتباط با بازار کار و در یک کلام در مشارکت و تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان، همچنان در حاشیه قرار گیرند. بسیاری از مطالعات علمی انجام‌شده در جهان نیز مؤید این واقعیت است که دلیل عمده ناموفق بودن پروژه‌های روستایی، غفلت از نقش‌های جنسیتی موجود در فضاهای جغرافیایی است (خانی، ۱۳۹۰).

در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه در جوامع روستایی، زنان روز کاری طولانی‌تری در مقایسه با مردان دارند. آنها مسئولیت‌های بیشتر و اوقات فراغت کمتری دارند. گابریل^۱ (۱۹۹۱) از ۱۶ ساعت کار زنان در مزارع کشاورزی آفریقا سخن می‌گوید و وات مور^۲ (۱۹۹۱) به این نکته اشاره دارد که صرف‌نظر از اینکه حجم کار کشاورزی زنان چقدر است، تفاوت اندکی در میزان مشارکت دیگر افراد خانواده در کارهای خانگی در جوامع مختلف وجود دارد. طبق تحقیقات انجام‌شده در این کشورها، زنان نقش‌های حیاتی در اجتماعات روستایی ایفا می‌کنند؛ آنان عهده‌دار انواع فعالیت‌های کشاورزی و بعضاً دامداری، کسب درآمد از تولیدات جانبی و اشتغال در مشاغل با دستمزدهای ناچیز هستند (Momsen and Townsend, ۱۹۸۷; Brydon and Chant, ۱۹۸۹; Ozbay, ۱۹۹۰; Moghadam, ۱۹۹۳, ۱۹۹۶; Hemmasi, ۱۹۹۴; Sharoni, ۱۹۹۷; Prorok and Chhokar, ۱۹۹۸; Reed, M. G. ۲۰۰۳; Kaur and Sharma, ۱۹۸۵; Unnevehr and Stanford, ۱۹۹۱). با وجود این، زنان همچنان با موانع عمده‌ای در ایفای نقش بالقوه‌شان به‌عنوان نیروی عمده اجتماعی و اقتصادی در توسعه روستایی روبه‌رو هستند. واقعیت این است که توانایی آنان بسیار کمتر از آنچه هست، ارزش‌گذاری شده و از توانایی‌های زنان روستایی برای ساختن زندگی خود، خانواده و جامعه به درستی استفاده نشده است (Koeing, Saifuddin, Bazle, and Mozumder, ۲۰۰۳).

شرایط بسیار متفاوت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای که زنان را احاطه کرده، سبب شده است که آنان گروه‌های یک‌دستی را تشکیل ندهند. از این‌رو چشم‌انداز موقعیت زنان و نحوه مشارکت اجتماعی و اقتصادی آنان در کشوری مانند ایران اساساً با در نظر گرفتن عوامل جغرافیایی حاکم و خرده‌فرهنگ‌های موجود تفسیر می‌شود. سنت‌های خاص برگرفته از الزامات ناشی از نقش‌های جنسیتی در بین ملیت‌های مختلف، استان‌ها و نواحی گوناگون متفاوت است.

۱. Gabriel

۲. Whatmore

این امر به دلیل شرایط مختلف جغرافیایی حاکم بر این نواحی و نیز پیامد آن - یعنی شرایط متفاوت اقتصادی - است که از نظر نحوه مشارکت در امور کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ناگزیر وضعیت خاصی را برای زنان فراهم می‌سازد.

در نوشتار حاضر، ضمن شرح مناسبات و روابط جنسیتی در مناطق روستایی، تلاش می‌شود تا نحوه اثرگذاری فضاهای روستایی - که عمدتاً فضایی مردانه است - بر نحوه مشارکت زنان و کارآمد بودن این مشارکت تحلیل شود. در نخستین گام، مروری گذرا بر پژوهش‌هایی که به نوعی به ساختار مناسبات جنسیتی در مناطق روستایی می‌پردازد، خواهیم داشت و سپس تلاش می‌شود بر پایه یافته‌های میدانی پژوهش نگارندگان در دو منطقه روستایی جلگه‌ای شمال کشور (شهرستان لنگرود - دهستان مریدان) و کوهستانی در استان کرمانشاه (شهرستان پاوه - دهستان هولی)، اهمیت، جایگاه و نقش مناسبات و نگرش‌های مربوط به نقش‌های جنسیتی بر نحوه مشارکت زنان و میزان اثربخش بودن آن ارزیابی گردد.

استر بوزروپ^۱ (۱۹۷۰) در مطالعاتش در خصوص مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای در حال توسعه، بر تنوع ویژگی‌های مشارکت زنان در ساختارهای گوناگون اقتصادی تأکید می‌کند. او از عوامل فرهنگی و محیطی به عنوان دلایل اصلی تنوع رفتارهای اقتصادی زنان نام می‌برد. وی در مطالعاتش الگوهای مشارکت زنان را در کشاورزی، تجارت، خدمات، صنعت و دیگر حرفه‌های تخصصی معرفی کرده است.

وات مور^۲ (۱۹۸۶) در مطالعه‌اش درباره همسران کشاورزان نشان داد که چگونه طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های خانگی به دست این گروه انجام می‌شود، در حالی که امور مربوط به بازتولید و فعالیت‌های خانگی و کارهایی که زنان در خصوص مزرعه انجام می‌دهند مهم قلمداد نمی‌شود، و اگر چه این امور حیاتی است اما به اندازه کار خود کشاورزان اهمیت نمی‌یابد.

۱. Ester Bosrup

۲. Watmore

لیتل^۱ (۱۹۸۷) در مطالعه‌اش در خصوص روابط جنسیتی در مناطق روستایی، بر اهمیت این‌گونه مناسبات بر شکل‌گیری ساختار نگرش‌های تئوریک در جغرافیای روستایی تأکید دارد و ضمن اشاره به نقش‌های خانگی زنان به بحث‌های رایج در خصوص ماهیت و اهمیت نظام مردسالاری در شکل‌گیری این نقش‌ها می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد که ویژگی نواحی روستایی - به ویژه اندازه آنها - دور از دسترس بودن‌شان و کمبود منابع همراه با جهت‌گیری و قدرت ایدئولوژی (جهان‌بینی) روستایی، تأثیر خارق‌العاده‌ای بر نقش و نیز روابط جنسیتی دارد.

فاین-دیویس (۱۹۸۹) در مطالعاتش در خصوص نگرش‌های مربوط به نقش زنان به عنوان بخشی از نظام اعتقادی بزرگ‌تر در ایرلند، بر نقش نگرش‌ها در تثبیت نابرابری و رفتارهای تعریف‌شده برای هر جنس اشاره می‌کند و به طور خاص اثر این نگرش‌ها را بر نقش و موقعیت زنان در بازار کار سنجدیده است. او نتیجه می‌گیرد که اگر چه زنان ایرلندی تغییرات سریعی را پشت سر گذاشته‌اند، با این حال مجموعه اعتقاداتی آنها را احاطه کرده است که مشارکت‌شان را با موانعی روبه‌رو می‌سازد. از آنجا که این موانع نامرئی هستند، رفع‌شان بسیار مشکل است چرا که عمدتاً از باورهای مردم در مورد کار زنان ناشی می‌شوند. مطالعات خانی (۱۳۷۵) در استان گیلان نشان داد که کار زنان حتی نزد خودشان منزلت پایینی دارد، به طوری که آنان عمدتاً تمایل شدیدی به ادامه تحصیل دختران‌شان نشان می‌دادند، و معتقد بودند که تحصیل تنها وسیله‌ای است که می‌تواند آنان را از وضعیتی که مادران‌شان دچار آن شده‌اند نجات دهد. حاجیلو و خانی (۱۳۸۷) در مطالعه‌شان در آذربایجان شرقی در خصوص تأثیر نگرش مردان به موفقیت تسهیلگران زن روستایی دریافتند که نظر مثبت مردان خانواده و جامعه روستایی در خصوص کار و وظایف زنان و همچنین حمایت آنان از زنان، نقش بسیار مهمی در موفقیت آنان داشته است.

عباسی (۱۲، ۱۳۷۵)، معتقد است با وجود اهمیتی که زنان در بهره‌وری خانواده و به‌طریق اولی در بهره‌وری ملی دارند، سهم آنان در آمار و ارقام در سطح ملی دیده نشده است. او از زنان

۱. Little Jo

به‌عنوان ستون‌های نامرئی بهره‌وری یاد کرده است، چرا که وی نیز مانند بسیاری از پژوهشگران، خانه‌داری را فعالیتی تولیدی که در تولید ملی محاسبه نمی‌شود، به حساب آورده است.

وارد (۱۹۹۰) به حساسیت فزاینده اجتماعی - فرهنگی جغرافی‌دانان اشاره دارد بیان می‌دارد که فضا و مکان در تمام امور زندگی گروه‌های مختلف تنیده و بدین ترتیب قلمروهای مطالعاتی جدید در جغرافیای روستایی گشوده شده است. او در مطالعاتش توجه عمیقی به فضا، مکان، موقعیت، محیط، زمین و چشم‌انداز دارد. وارد با پرداختن به جغرافیای کودکان، از یک سو به نیروهای تغییردهنده فضا که بر زندگی آنان اثر می‌گذارد نظر دارد و از سوی دیگر به فرایند بازمفهوم‌سازی روستا از طریق تأثیر اقتصادی - سیاسی در سطح ملی و حتی جهانی بر زندگی روزمره روستاییان اشاره می‌کند (Chris Philo, ۱۹۹۲, Ward C. ۱۹۹۰, ۲۰۸).

مکانیزاسیون کشاورزی و ساماندهی خدمات عمومی علت جدایی‌گزینی بسیاری از مردم روستایی از جریان اصلی فعالیت‌های اجتماعی، امور رفاهی، اوقات فراغت و دیگر فرصت‌هاست (Ward .C, ۱۹۹۰).

بریت بارت بر این باور است که تمام تصمیمات گرفته‌شده در روستا، عمدتاً در خارج از آن شکل می‌گیرد. به عبارتی زندگی روستاییان را نیروهای خارجی احاطه کرده‌اند. هجمه فعالیت‌های سرمایه‌داری به همراه تمرکزگرایی برنامه‌ریزی چشم‌اندازی را پیش روی می‌گذارد که به طور جدی امکانات انسانی را برای زیستن، عمل کردن و خوداظهاری روستاییان محدود می‌سازد (در اینجا می‌توان به آنارشسیسم کروپتکین اشاره کرد) (Breitbart, ۱۹۷۹, ۲).

پیش از ورود به بحث هویت مردانه و هویت زنانه در مناطق روستایی لازم است جهت‌گیری گسترده نظریه‌ها را که از درون آنها چنین کارهایی ظهور یافته‌اند، شناسایی کنیم. در مجله جامعه‌شناسی روستایی^۱، «مردانگی^۲» به عنوان موضوعی فضایی در مناطق روستایی مطرح

۱. Rural Sociology

۲. Masculinities

می‌شود، کمپبل و بل^۱ (۵۳۵ و ۲۰۰۰) نگاهی انتقادی به موضوع مردانگی داشته‌اند و تحلیلی از ساختار اجتماعی ارائه کردند که می‌تواند به تقویت درک از روابط جنسیتی و قدرت منجر شود. آنها ظهور کارهای جدید در مورد مردانگی را عامل اساسی و به هم پیوسته‌ای از تحلیل فمینیستی قدرت می‌دانند.

واژه جنسیت اغلب به عنوان جایگزینی برای کلمه «زن» و واژه‌ای مهم در مفاهیم توسعه به کار می‌رود. در همه جای دنیا زنان و مردان در محیط روستا سخت کار می‌کنند، اما نوع فعالیت آنان با هم متفاوت است و قابل جایگزینی و تعویض نیست. این موضوع در فرهنگ‌ها و محیط‌های مختلف جغرافیایی به اشکال گوناگون جلوه می‌کند. مثلاً در سومالی آماده کردن زمین برای کشت، کاری زنانه است و مردان فقط به شترداری می‌پردازند. مردان و زنان برمه‌ای تقریباً تمامی فعالیت‌های کشاورزی را به‌طور مشترک و قابل جایگزین انجام می‌دهند (Bye, ۲۰۰۳, ۱۳۲). این موارد بر اساس ویژگی‌های طبیعی، نوع معیشت، موقعیت جغرافیایی، سنت‌ها و آداب و رسوم و حتی چرخه زندگی افراد مشخص می‌شود. روابط و حقوق بهره‌برداری از آب، خاک، مالکیت و کنترل بر زمین، درخت و دیگر منابع در بسیاری از کشورها براساس جنسیت تعیین می‌شود، این وضعیت در کشورهای در حال توسعه پررنگ‌تر است.

مشارکت، وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی و کمک و همکاری در توسعه و بهره‌مند شدن از تأثیرات آن قلمداد می‌شود. مشارکت و تصمیم‌گیری دو مقوله جدا از هم نیستند، کما اینکه در تعاریف مربوط به مشارکت، فرآیند تصمیم‌گیری نیز جزئی از آن به شمار می‌آید. «راجرز»، تعریف مشارکت را میزان دخالت اعضای نظام - مردم در فرآیند تصمیم‌گیری تعریف می‌کند (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۵، ۲۶۵). افزایش مشارکت زنان (مشارکت آشکار) در تصمیم‌گیری زنان را به سوی توسعه فزاینده سوق می‌دهد و آنان را توانمند می‌سازد، به شرطی که این مشارکت در مسیر بالابردن تسلط بر

۱. Campbell & Bell

عوامل تولید و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانه منافع باشد. برابری تسلط بر عوامل تولید به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است، بدین ترتیب هیچ‌کدام از آنها در مقام فرمانروایی نخواهند بود. پیتر اوکلی مشارکت مؤثر گروه‌های روستایی در توسعه را با دسترسی مستقیم آنها به منابع لازم برای توسعه و نوعی دخالت فعال و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری مؤثر در آن منابع همراه می‌داند (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰، ۱۱۶).

از این رو مشارکت زنان روستایی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. افزون بر ویژگی‌های فردی و شخصیتی، ساختار جغرافیایی، بافت اقتصادی و الگوهای اجتماعی - فرهنگی روستا نیز بر کار و زندگی زنان روستایی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، برای تسهیل مطالعات جنسیتی، مجموعه‌ای از روش‌ها تحت عنوان «تحلیل جنسیتی» شکل گرفت. مثلاً با استفاده از ابزار تحلیل جنسیتی‌ای به نام «تقویم تفاوت وظایف جنسیتی»، می‌توان پی برد که چه کسی چه کاری را انجام می‌دهد. در اغلب کشورها وظایف مردان روستایی در دوران جوانی و بزرگسالی زیاد است. مردان مسن‌تر به امور درون خانه نیز رسیدگی می‌کنند. به‌طور مشابهی، کار دختران از سنین پایین آغاز می‌شود و مسئولیت‌های آنان با بزرگ‌شدن‌شان افزایش می‌یابد. زنان در بزرگسالی کاملاً به سمت فعالیت‌های تولیدی کشیده می‌شوند و حتی در سالخوردگی نیز هنوز در امر تولید اشتغال دارند (Eckman, ۱۹۹۶, ۳۴).

تصویری که اغلب در جامعه روستایی به شدت حاکم است، این است که کارهای مهم را مردان انجام می‌دهند و زنان نقش کمک‌کننده به آنان را دارند. به‌طور کلی هم مردان و هم زنان بر این باورند که کار برای زن کمتر از مرد اهمیت دارد و مردان به دلیل وظیفه‌ای که در تأمین معاش دارند، باید دستمزد بیشتری دریافت کنند و امنیت شغلی بیشتری داشته باشند (ابوت، ۱۳۸۰، ۱۷۳). مثلاً در جامعه روستایی از همسران کشاورزان انتظار می‌رود که هم‌پای دیگر اعضای خانواده در مزرعه کار کنند، برای کارگران غذا تهیه کنند، از محصولات جمع‌آوری شده مراقبت کنند و فرآوری محصولات مورد مصرف خانواده را برعهده داشته باشند، اما چون در قبال این‌گونه فعالیت‌ها دستمزدی دریافت نمی‌کنند، هم خودشان و هم مردان خانواده آنان را صرفاً خانه‌دار می‌دانند. این باور جنسیتی که ملاک تقسیم کار اجتماعی در روستاهاست

باعث می‌شود که مردان به نتایج حاصل از فعالیت زنان اهمیتی ندهند و امتیازات کمتری را برای آنان قائل شوند. این تصور سبب می‌شود که هم مردان و هم زنان هیچ‌گونه تلاشی برای تغییر و بهبود شرایط زنان انجام ندهند و بنابر این زنان در موضعی انفعالی قرار گیرند و دچار ضعف اطلاعات و آگاهی شوند و خود به خود از حضور در عرصه‌های اجتماعی و مشارکت فعال بازمانند.

مطالعات در خصوص تفکیک وظایف زنان و مردان روستایی و میزان مشارکت‌شان در انجام هر یک از فعالیت‌های روزانه به اهمیت که جنسیت اشاره دارند و آن را، حتی فراتر از صرفاً متغیری برای تحلیل نقش، مسئولیت، محدودیت، فرصت، درآمد، هزینه و منافع کشاورزی برمی‌شمارند. معمولاً نقش زنان در جوامع محلی به آنها قدرت و موقعیت چشمگیری در روستا می‌دهد، و عمدتاً از این بحث می‌شود که این نقشها نیاز به حمایت از جانب مردان دارد. در تفسیر نقش خانگی زنان و اهمیت آن در شکل‌گیری موقعیت‌شان، می‌بایست چارچوب نظری ویژه‌ای مطرح کرد که بتواند نارسایی‌های ارزیابی صرف اقتصادی کار زنان را نشان دهد و قادر باشد وجود و تأثیرگذاری روابط قدرت بین مردان و زنان را که الزاماً بر مبنای روابط تولید شکل نگرفته است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر میزان نظارت و درجه کنترل، از نوع پژوهش میدانی است زیرا کلیه متغیرها و فرضیات موردنظر را در میدان آزمایش (محدوده جغرافیایی شهرستان‌های لنگرود - دهستان مریدان و شهرستان پاوه - دهستان هولی) بررسی می‌کند و برای جمع‌آوری داده‌های اصلی از پرسشنامه استفاده کرده است. برای اعتبارسنجی پرسشنامه از کارشناسان و اندیشمندان در زمینه مشارکت زنان استفاده گردید و برای سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی^۱

۱. reliability

ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، که مقدار آن برای هر کدام از بخش‌های پرسشنامه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مقادیر آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های پرسشنامه

مقدار آلفای کرونباخ استاندارد شده	تعداد گویه	گویه‌های مربوط به
۰/۸۸۴۳	۲۷	مشارکت زنان
۰/۹۳۴۴	۱۷	نگرش مردان به کار زنان
۰/۹۰۹۶	۱۸	نگرش زنان به کار خود

جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل زنان و مردان روستایی است. که تعداد جمعیت روستایی در سطح شهرستان لنگرود - دهستان مریدان ۱۶۳۳ نفر و در شهرستان پاوه - دهستان هولی ۱۶۲۷ نفر است.

در این مطالعه، با توجه به ماهیت تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران^۱ استفاده شده است.

به منظور تعیین انحراف معیار و همچنین تعیین دقت احتمالی مطلوب، تعداد ۳۰ نمونه از جامعه آماری شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و ۳۰ مورد از جامعه آماری شهرستان پاوه - دهستان هولی به صورت تصادفی انتخاب و پیش‌آزمون شد. انحراف معیار به دست آمده از این پیش‌آزمون به ترتیب ۴/۲۴ و ۳/۱۴ و دقت احتمالی نیز به ترتیب ۴/۶۴ و ۳/۴۵ محاسبه گردید. حجم نمونه محاسبه شده در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان ۱۲۴ مورد و این تعداد در شهرستان پاوه - دهستان هولی ۱۰۶ مورد است. این تعداد نمونه به صورت تصادفی ابتدا با

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} \quad \text{فرمول کوکران به صورت زیر است:}$$

که در آن: S=انحراف معیار جامعه n=حجم نمونه N=حجم جامعه $d = t \cdot \frac{s}{\sqrt{n}}$ $۲/۵۸ = t$ در منحنی گاوس با دقت ۹۹ درصد، میزان t برابر با ۲/۵۸ است (رفیع‌پور، ۱۳۸۳، ۳۷۴).

انتخاب روستاها به صورت تصادفی و سپس با انتخاب نمونه‌ها از سطح روستاها برگزیده شده‌اند. روستاهای مورد مطالعه در دهستان مریدان عبارت‌اند از: پرشکوه، لیسهرود، لیارجدمه و مریدان؛ و روستاهای مورد مطالعه در دهستان هولی عبارت‌اند از: نوریاب، هیروی، خانقاه. شایان ذکر است که متغیر وابسته در این مطالعه مشارکت زنان است که از طریق ۲۴ گویه در تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اندازه‌گیری شده‌است.

قلمرو پژوهش

پژوهش حاضر به منظور فراهم‌آوردن امکان مطالعه مقایسه‌ای در دو منطقه متفاوت جغرافیایی به شرح زیر انجام پذیرفته است:

الف) دهستان مریدان:

این دهستان که در مرکز شهرستان لنگرود قرار گرفته، از جانب شمال با دهستان‌های دریاسر و دیوشل، از جنوب با دهستان‌های اطاقور و لات لیل، از شرق با شهرستان املش و از غرب با شهرستان لاهیجان همسایه است. این دهستان جزوی از بخش کومله به شمار می‌آید و ۱۱ روستا را با مرکزیت روستای مریدان پوشش می‌دهد.

کل جمعیت باسواد دهستان ۳۹۰۶ نفر شامل ۲۰۷۷ نفر مرد و ۱۸۲۹ نفر زن با نرخ باسوادی ۷۰/۶ درصد است.

ب) دهستان هولی:

هولی یکی از پنج دهستان شهرستان پاره است. این شهرستان از توابع استان کرمانشاه است و در شمال غرب استان قرار دارد که قسمتی از اورامان قلمداد می‌شود. این دهستان از ۱۲ سکونتگاه روستایی تشکیل شده است که بر اساس آخرین سرشماری ۶۴۱۷ نفر در این سکونتگاه‌ها زیست می‌کنند. نرخ رشد ۱/۴- در دهه اخیر بیانگر کاهش جمعیت این دهستان است، که به دلیل ناکافی بودن درآمدهای ناشی از کشاورزی سنتی منطقه و توجه یک‌سویه به رشد شهرها بوده است.

یافته‌های پژوهش

در بخش پیش رو به متغیرهای کلان اشتغال و باسوادی در دو استان کرمانشاه و گیلان اشاره می‌شود.

جدول ۲. وضعیت اشتغال و بیکاری در استان‌های مورد مطالعه، به تفکیک جنس و مناطق روستایی

(سال ۱۳۸۵)

استان	مناطق	جنس	نرخ مشارکت اقتصادی	سهم اشتغال در بخش			میزان اشتغال عمومی	میزان اشتغال جمعیت فعال	نرخ بیکاری
				کشاورزی	صنعت	خدمات			
کرمانشاه	استان	زن	۱۲.۷	۵۹.۱	۷.۶	۳۳.۳	۴.۹۷	۵۴.۳۱	۱۵.۵
		مرد	۶۱.۵	۳۲.۲	۱۸.۵	۴۹.۳	۴۴.۸۳	۸۰.۳۳	۱۱.۵
	مناطق روستایی	زن	۲۰.۹	۹۱.۸	۳.۳	۴.۸	۵.۰۳	۵۸.۱۶	۳.۳
		مرد	۶۶.۱	۷۲	۹.۹	۱۸.۱	۴۷.۱۶	۷۸.۶۸	۶.۱
گیلان	استان	زن	۲۹.۳	۶۵.۹	۱۵.۱	۱۹.۱	۱۰.۲۳	۷۱.۱۸	۱۵.۷
		مرد	۶۷.۸	۳۷.۶	۲۰.۸	۴۱.۶	۵۱.۵۱	۸۸.۵۱	۷.۹
	مناطق روستایی	زن	۳۳.۷	۸۳.۱	۱۱.۸	۵.۱	۹.۶۷	۷۰.۵۸	۶.۲
		مرد	۷۰.۷	۵۹.۹	۱۴.۷	۲۵.۴	۵۲.۷۹	۷۸.۶۸	۴.۵

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود در هر دو استان نرخ اشتغال در مناطق روستایی از کل استان بالاترست، این در حالی است که نرخ اشتغال زنان در تمام مناطق از مردان پایین‌تر است و زنان گیلانی در مقایسه با زنان کرمانشاه، نرخ اشتغال بالاتری دارند. در خصوص اشتغال در بخش کشاورزی، داده‌ها نشان می‌دهد که جمعیت استان گیلان بیش از استان کرمانشاه در کشاورزی فعال‌اند، اما این وضعیت در خصوص روستاها متفاوت است و در روستاها نسبت کمتری به کشاورزی می‌پردازند و زنان بیشتر در مناطق روستایی در بخش صنعت و خدمات جذب شده‌اند. همچنین میزان عمومی اشتغال در بین زنان و مردان گیلانی بیش از جمعیت کرمانشاهی است، این وضعیت هم در کل استان و هم در مناطق روستایی صدق

می‌کند. در خصوص اشتغال جمعیت فعال مردان روستایی، دو استان نرخ کاملاً برابری دارند، حال آنکه اشتغال جمعیت زنان فعال گیلانی به‌طور چشمگیری از زنان کرمانشاهی بالاتر است. نرخ بیکاری در بین مردان روستایی کرمانشاه از مردان گیلان بالاتر است، که این امر بیانگر کمتر بودن فرصت‌های شغلی در کرمانشاه است. نرخ بیکاری در بین زنان گیلان رقم بیشتری را نشان می‌دهد که بیان می‌دارد زنان در جست‌وجوی کار در گیلان بیش از کرمانشاه‌اند.

اطلاعات میدانی به‌دست آمده در خصوص ۱۲۴ نفر از روستاییان شهرستان لنگرود - دهستان مریدان نشان می‌دهد که حجم نمونه زنان ۶۲ مورد و میانگین سنی زنان ۴۲/۹۵، کمترین سن ۲۰ سال و بیشترین سن ۶۷ سال و حجم نمونه مردان ۶۲ مورد و میانگین سنی مردان ۴۴/۹۷، کمترین سن ۲۳ سال و بیشترین سن ۶۸ سال است. اعداد مذکور در خصوص ۱۰۶ نفر از روستاییان شهرستان پاوه - دهستان هولی عبارت‌اند از: حجم نمونه زنان ۵۴ مورد و میانگین سنی زنان ۳۸/۷۶، کمترین سن ۲۰ سال و بیشترین سن ۶۳ سال و حجم نمونه مردان ۵۲ مورد و میانگین سنی مردان ۴۴/۰۸، کمترین سن ۲۶ سال و بیشترین سن ۷۰ سال.

در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان از نظر سنی ۱۶/۱ درصد زنان کمتر از ۳۰ سال، ۲۴/۲ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۲/۳ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۲۵/۸ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال، و ۱/۶ درصد ۶۱ سال و بیشتر است. در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان از نظر سنی ۹/۷ درصد مردان کمتر از ۳۰ سال، ۲۵/۸ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۳/۹ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۹/۴ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال، و ۱۱/۳ درصد ۶۱ سال و بیشتر است. در شهرستان پاوه - دهستان هولی از نظر سنی ۲۵/۹ درصد زنان کمتر از ۳۰ سال، ۳۸/۹ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۴/۸ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۶/۷ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال، و ۳/۷ درصد ۶۱ سال و بیشتر است. در خصوص مردان از نظر سنی ۹/۶ درصد مردان کمتر از ۳۰ سال، ۳۲/۷ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۰/۸ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۷/۳ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال، و ۹/۶ درصد ۶۱ سال و بیشتر است.

در خصوص سطح تحصیلات پاسخ‌گویان ۸/۱ درصد از زنان شهرستان لنگرود - دهستان مریدان بیسواد، ۲۵/۸ درصد در حد ابتدایی، ۲۴/۲ درصد سیکل، ۳۳/۹ دیپلم و ۸/۱ درصد فوق

دیپلم و بالاتر هستند. پاسخ‌گویان مرد شهرستان لنگرود - دهستان مریدان ۴/۸ درصد بیسواد، ۲۱ درصد در حد ابتدایی، ۲۱ درصد سیکل، ۳۸/۷ دیپلم و ۱۴/۵ درصد فوق دیپلم و بالاتر هستند. این اعداد در شهرستان پاوه - دهستان هولی عبارت‌اند از: سطح تحصیلات پاسخگویان زن، ۲۳/۱ درصد بیسواد، ۵۱/۹ درصد در حد ابتدایی، ۱۵/۴ درصد سیکل، ۵/۸ دیپلم و ۳/۸ درصد فوق دیپلم و بالاتر پاسخگویان مرد شهرستان پاوه ۳/۹ درصد بیسواد، ۲۳/۵ درصد در حد ابتدایی، ۲۱/۶ درصد سیکل، ۲۹/۴ دیپلم و ۲۱/۶ درصد فوق دیپلم و بالاتر هستند. به منظور بررسی تفاوت‌های موجود بین دو شهرستان از نظر سن و سطح تحصیلات از آزمون t استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳. نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین‌های دو شهرستان از نظر سن و سطح تحصیلات

sig	t	آماره			مقولات متغیر	متغیر وابسته	F
		\bar{x}	sd	n			
۰/۰۴۸	۲/۰۰۲	۴۲/۹۵	۱۱/۱۴۵	۶۲	شهرستان لنگرود - دهستان مریدان	سن زنان	۱
		۳۸/۷۵	۱۱/۳۳۷	۵۴	شهرستان پاوه - دهستان هولی		
۰/۰۰	۴/۵۳۶	۸/۵۸۰	۴/۲۴۴	۶۲	شهرستان لنگرود - دهستان مریدان	سطح تحصیلات	۲
		۵/۱۳۴	۳/۸۶۰	۵۴	شهرستان پاوه - دهستان هولی	زنان	

نتایج آزمون t نشان می‌دهد که در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و پاوه، زنان از نظر میانگین سنی و سطح تحصیلات تفاوت معنی‌داری دارند. میانگین سنی زنان در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان ۴۲/۹۵ سال و میانگین سنی زنان در شهرستان پاوه - دهستان هولی ۳۸/۷۵ سال است.

سطح تحصیلات زنان در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان بالاتر از سطح تحصیلات زنان شهرستان پاوه - دهستان هولی است. میانگین سال‌های تحصیل زنان در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان حدود ۸/۵ سال است که این رقم در خصوص شهرستان پاوه - دهستان هولی

به حدود ۵ سال می‌رسد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین زنان شهرستان لنگرود - دهستان مریدان با زنان شهرستان پاوه - دهستان هولی از لحاظ میانگین سنی در سطح ۹۵ درصد و از لحاظ سطح تحصیلات در سطح ۹۹ درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در ادامه به بررسی میزان همبستگی بین سطح تحصیلات زنان و میزان مشارکت‌شان خواهیم پرداخت.

جدول ۴. نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین‌های دو شهرستان در خصوص نگرش زنان به حقوق و وظایف خود

sig	t	آماره			مقولات متغیر	متغیر وابسته	شماره
		\bar{X}	Sd	n			
۰/۰۰	۷/۷۳	۲۲/۱۷	۵/۶۵	۶۲	شهرستان لنگرود - دهستان مریدان	نگرش زنان به حقوق خود	۱
		۱۵/۱۳	۷/۴۲	۵۴	شهرستان پاوه - دهستان هولی		
۰/۰۰	۱۰/۶۱	۵۶/۷۲	۵/۸	۶۲	شهرستان لنگرود - دهستان مریدان	نگرش زنان به وظایف خود	۲
		۴۲/۴۰	۶/۴	۵۴	شهرستان پاوه - دهستان هولی		

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین زنان شهرستان‌های لنگرود و پاوه در خصوص نگرش‌شان به حقوق اجتماعی و وظایف‌شان وجود دارد. زنان شهرستان لنگرود - دهستان مریدان در خصوص حقوقی چون مشارکت در انتخابات روستایی، عضویت در تعاونی‌ها، مشارکت در انواع فعالیت‌های کمک و همکاری، نامزد شدن برای عضویت در شورا، شرکت در جلسات آموزشی، شرکت در جلسات ترویجی، کسب درآمد، پس‌انداز، مشارکت در امور خیریه، مشارکت در صندوق‌های اعتباری، مشارکت در امور مذهبی، مشارکت در امور زیارتی و مانند اینها با میانگین ۲۲/۱۷ در مقایسه با زنان شهرستان پاوه با میانگین ۱۵/۱۳ حقوق خود را بالاتر می‌دانند. زنان دهستان مریدان در خصوص وظایفی چون مراجعه به مدرسه فرزندان، انجام امور اداری، انجام فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، مدیریت امور خانه و مانند اینها با میانگین ۵۶/۷۲ در مقایسه با زنان شهرستان پاوه با میانگین ۴۲/۴۰ نمره بالاتری به وظایف خود

داده‌اند. نتایج آزمون t مستقل نشان می‌دهد که زنان لنگرود در مقایسه با زنان شهرستان پاوه - دهستان هولی نگرش مثبت تری به فعالیت زنان دارند و نمره بالاتری را به حقوق و وظایف خود اختصاص می‌دهند.

در جدول ۵ نتایج آزمون t برای مقایسه نگرش زنان در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و پاوه در خصوص فعالیت‌های خود ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون t برای مقایسه نگرش زنان در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و پاوه

sig	t	آماره			مقولات متغیر	متغیر وابسته	رتبه
		\bar{x}	sd	n			
.۰/۰۰۰	۱۲/۷۹	۹۷/۶۹	۴/۵۹	۶۲	شهرستان لنگرود - دهستان مریدان	نگرش مثبت زنان نسبت به فعالیت‌های‌شان	۱
		۷۶/۴۷	۱۰/۷۷	۵۴	شهرستان پاوه - دهستان هولی		

نتایج آزمون t نشان می‌دهد که در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و پاوه تفاوت معنی‌داری در خصوص نگرش زنان به حقوق و وظایف خود در سطح ۹۹ درصد دیده می‌شود، به طوری که زنان شهرستان لنگرود با میانگین ۹۷/۶۹ در مقایسه با زنان شهرستان پاوه - دهستان هولی (میانگین ۷۶/۴۷) نگرش مثبت تری به فعالیت‌شان داشتند. به منظور بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته از نوع فاصله‌ای یا نسبتی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای منتخب و مشارکت زنان
به همراه سطح معنی‌داری آنها

r	متغیرهای منتخب	ردیف
.۰/۳۵۹*	سطح تحصیلات زنان	۱
.۰/۷۸۰**	نگرش مثبت زنان به خود	۲

۰/۲۱۴*	درآمد ماهانه زنان	۳
۰/۷۰۸**	تمایل زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی ارتقای مهارت	۴
۰/۷۵۳**	تمایل مردان به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی	۵
۰/۷۸۸**	نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان	۶

** و * به ترتیب، معنی‌داری در سطح ۱ و ۵ درصد

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین نگرش مثبت زنان به خود، تمایل زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی ارتقای مهارت، تمایل مردان به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان با متغیر مشارکت زنان در سطح ۹۹ درصد، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین سطح تحصیلات زنان و درآمد ماهانه زنان، با مشارکت زنان در سطح ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که زنانی که خود و همسران‌شان نگرش مثبتی به فعالیت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند، در عرصه مشارکت به مراتب موفق‌ترند. همچنین زنانی که خود و همسران‌شان تمایل بیشتری به شرکت زنان در کلاس‌های ارتقای مهارت و به طور کلی کلاس‌های آموزشی دارند نیز از لحاظ مشارکت در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکیباتر و مؤثرترند. شایان ذکر است زنانی که سطح تحصیلات بالاتر و سطح درآمد ماهانه بالاتری دارند، سطح مشارکت‌شان نیز بالاتر است.

برای بررسی تطبیقی میزان مشارکت در دو شهرستان پاوه - دهستان هولی و شهرستان لنگرود - دهستان مریدان، از آزمون t استفاده شده که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون t برای مقایسه میزان مشارکت زنان و نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان، در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و پاوه

sig	t	آماره			مقولات متغیر	متغیر وابسته	ردیف
		\bar{x}	sd	n			
۰/۰۰۰	۱۱/۲۷۴	۱۰۳/۲۴	۹/۵۵	۶۲	شهرستان لنگرود	میزان مشارکت زنان	۱
		۷۲/۰۰	۱۸/۳۰۸	۵۴	- دهستان مریدان شهرستان پاوه -		

					دهستان هولی		
۰/۰۰۰	۲/۶۵۷	۹۱/۵۳۵	۱۱/۷۰	۶۲	شهرستان لنگرود - دهستان مریدان	نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان	۲
		۸۴/۳۸	۱۵/۴۹	۵۴	شهرستان پاوه - دهستان هولی		

نتایج آزمون t در خصوص میزان مشارکت زنان نشان داد که مشارکت زنان در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان با میانگین ۱۰۳/۲۴ تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد با مشارکت زنان در شهرستان پاوه - دهستان هولی با میانگین ۷۲/۰۰ دارد. همان‌طور که در ضرایب همبستگی ملاحظه می‌شود، رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد بین نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان با میزان مشارکت زنان دیده می‌شود. از آنجا که این مؤلفه بالاترین همبستگی را با میزان مشارکت زنان نشان می‌دهد، برای مقایسه دو شهرستان اقدام به مقایسه نگرش مردان به فعالیت و مشارکت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در دو شهرستان شد. نتایج نشان داد که در سطح ۹۹ درصد تفاوت معنی‌داری بین نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان در بین دو شهرستان دیده می‌شود، به طوری که نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان با میانگین ۹۱/۵۳۵ بالاتر از نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان در شهرستان پاوه - دهستان هولی با میانگین ۸۴/۳۸ قرار دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین نگرش مردان به فعالیت زنان در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و شهرستان پاوه - دهستان هولی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، همچنین تفاوت معنی‌داری بین نگرش زنان به توانایی‌ها و فعالیت‌های‌شان در دو شهرستان لنگرود - دهستان مریدان و شهرستان پاوه - دهستان هولی یافت شد. بر اساس این پژوهش روشن شد که به‌طور کلی بین مشارکت زنان در شهرستان لنگرود - دهستان مریدان با مشارکت زنان در شهرستان پاوه - دهستان هولی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. افزون بر این، رابطه مثبت و

معناداری بین نگرش مثبت زنان به خود، تمایل زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی ارتقای مهارت، تمایل مردان به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان با متغیر مشارکت زنان به‌دست آمد - که این نتایج مؤید یافته‌های لیتل (۱۹۸۷) و فاین - دیویس (۱۹۸۹) و حاجیلو و دیگران (۱۳۸۷) است.

بدین ترتیب نتایج نشان داد، از جمله عواملی که بر مشارکت زنان تأثیر زیادی دارد نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان است، و از دیگر عوامل می‌توان به تأثیر مستقیم و مثبت به نگرش مثبت زنان به خود، تمایل زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی ارتقای مهارت، تمایل مردان به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سطح تحصیلات زنان اشاره کرد - این یافته تأییدکننده نظریات خانی (۱۳۷۵) در خصوص علاقه زنان گیلانی به ادامه تحصیل دخترانشان است.

از آنجا که بین نگرش مثبت زنان به خود، تمایل زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی ارتقای مهارت، تمایل مردان به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و نگرش مثبت مردان به فعالیت زنان، با مشارکت زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های ترویجی و توسعه‌ای با هدف ارتقای مشارکت و موقعیت زنان در روستاها به گونه‌ای طراحی شود که ابتدا فضای عمومی روستا و بیش از همه نگرش مردان به کارکرد، حقوق و وظایف زنان از طریق دادن آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم برای ایجاد این تغییر آماده گردد.

از آنجا که تفاوت معنی‌داری بین زنان شهرستان‌های لنگرود و پاره در خصوص نگرش‌شان به حقوق اجتماعی و وظایف‌شان وجود دارد، به نظر می‌رسد که از طریق افزایش مشارکت عملی زنان در فعالیت‌ها و تصمیمات تا حد زیادی بتوان بر نوع نگرش به جایگاه و موقعیت زنان تأثیر مثبت نهاد تا از این طریق به نیازهای استراتژیک آنان نیز پاسخ داده شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «نقش فضاهای روستایی در مشارکت زنان» است که با

حمایت مالی قطب برنامه‌ریزی روستایی انجام شده است. بدین‌وسیله از جناب آقای ابوطالب قاسمی و سمجانی و سرکار خانم یسرا حسنی که در گردآوری داده‌ها نگارندگان را یاری کردند، سپاس‌گزاری می‌شود.

منابع

- ابوت، پاملا، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: نجم عراقی، نشر نی.
- اوکلی پیتر و دیوید مارسدن، ۱۳۷۰، رهیافت‌های مشارکت توسعه روستایی، ترجمه: منصور محمودنژاد، انتشارات مرکز تحقیقات روستایی وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- حاجیلو، فتانه و خانی، فضیله، ۱۳۸۷، بررسی تأثیر نگرش مردان بر ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی؛ مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی، فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۲).
- خانی، فضیله، ۱۳۷۵، جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی، رساله دکتری، به راهنمایی دکتر عباس سعیدی، دانشگاه تربیت مدرس.
- خانی، فضیله، ۱۳۸۶، درآمدی بر پارادایم جغرافیای جنسیت، انتشارات سمت، تهران.
- خانی، فضیله، ۱۳۹۰، تحلیل جنسیتی از درک آثار گردشگری روستایی (مورد مطالعه: روستاهای کن-سولقان در شمال غرب تهران، فصلنامه توسعه روستایی، شماره ۴، بهار و تابستان.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۳، کندوکاوها و پنداشته‌ها، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهاردهم، تهران.
- عباسی، ح، ۱۳۷۵، ستون‌های نامرئی بهره‌وری ملی، خلاصه مقالات همایش زن خانه‌دار در توسعه، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان.

مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۵، نقش زن در توسعه، تهران، ص ۲۶۵.

Asztalos Morell Ildiko, ۲۰۰۸, **Gender Regimes, Citizen Participation and Rural Restructuring**, Department of Sociology, Uppsala University, Uppsala, Sweden, Rural Sociology, Wageningen University, Wageningen, The Netherlands Amsterdam, Elsevier .

Breitbar M., ۱۹۷۹, **Introduction to Theme Issue Dealing with Anarchism and the Environment**, Antipode ۱۰, PP. ۱-۵.

Brydon, Linny and Chant, Silvia, ۱۹۸۹, **Women in the Third World**, Gender issues in Rural and Urban areas, Rutgers University Press.

Busrup, Ester, ۱۹۷۰, **Women's Role in Economic Development**, Martin's Press, NewYork.

Bye, L.M., ۲۰۰۳, **Masculinity and Rurality at Play in Stories about Hunting**, Norwegian Journal of Geography, ۵۷(۳), PP. ۱۴۵-۱۵۳.

Campbell H., Bell, M., ۲۰۰۰, **Introduction, Rural Masculinities Special Issue**, Rural Sociology ۶۵(۴), PP. ۵۳۲-۴۶.

Chris Philo, ۱۹۹۲, **Neglected Rural Geographies**, A review essay, Journal of rural studies, Vol. ۸, No ۲, PP. ۱۹۳-۲۰۷.

Fine –Davis Margaret, ۱۹۸۹, **Attitudes toward the Role of Women as Part of a larger Belief System**, in: Political Psychology, Vol. ۱۰, NA.۲ , URL: www.jstor.org/stable/۳۷۹۱۶۴۹ Accessed ۱۶/۱۱/۲۰۱۰.

Gabriel, T., ۱۹۹۱, **The Human Factor in Rural Development**, London: Belhaven Press.

Hemmasi, M., ۱۹۹۴, **Gender and Spatial Population Mobility in Iran**,

Geoforum. Vol. ۲۵, No. ۲, PP. ۲۱۳-۲۲۶.

Jafari , Jafar, ۲۰۰۵, **Encyclopedia of Tourism**, Routledge.

Kaur, Malkit and Sharma, M.L., ۱۹۹۱, **Role of Women in Rural Development**,
Journal of Rural Studies ,Volume ۷, Issues ۱-۲, PP. ۱۱-۱۶ .

Koeing, A. M.; Saifuddin, A.; Bazle, H. and Mozumder, KH., ۲۰۰۳, **Women's Status and Domestic Violence in Rural Bangladesh Individual and Community Level Effects**, Demography, Vol. ۴۰, No. ۲. PP. ۲۶۹-۲۸۸.

Little, Jo and Michael Leyshon, ۲۰۰۳, **Embodied Rural Geographies Developing Research Agendas**, Progress in Human Geography ۲۷.۳, PP. ۲۵۷-۲۷۲.

Little Jo, ۱۹۸۷, **Gender Relations in Rural Areas: The Importance of Women's Domestic Role**, In: Journal of rural studies, Vol. ۳, No.۴, PP. ۳۳۵-۳۴۲.

Massey, Doverin, ۱۹۹۴, **Space, Place and Gender**, Cambridge, Polity.

Moghadam Valentine, ۱۹۹۶, **Patriarchy and Economic Development**, Women's positions of the End of the Twentieth Century, Oxford: Clarendon Press, PP. ۱۸۴-۲۱۴.

Momsen and Townsend, ۱۹۸۷, **Gender and Geography in the Third World**,
Routledge.

Negrey Cynthina and Rausch Stephen D., ۲۰۰۹, **Creativity Gaps and Gender Gaps: Women, Men and Place in the United States, in Gender , Place and Culture**, A Journal of Feminist Geography, Routledge, PP. ۵۱۷- ۵۳۳.

Ozbay, F., ۱۹۹۰, **Women, Family and Social Change in Turkey**, UNESCO Supported Series on Women's Studies in Asia and the Pacific, Bangkok.

Prorok, C.V. & Chhokar, K. B., ۱۹۹۸, **Women and Their Work in Asia**,
Geography of Gender and Development, Vol. ۱۷, NCGE Publication.

- Rahman S.A., ۲۰۰۸, **Women's Involvement in Agriculture in Northern and Southern Kaduna, State Nigeria**, Journal of Gender Studies.
- Reed, M.G., ۲۰۰۳, **Marginality and Gender at Work in Forestry Communities in British Columbia**, Canada, Journal of Rural Studies, ۱۹(۳), PP. ۳۷۳-۳۸۹.
- Sharoni, S., ۱۹۹۷, **Women and Gender in Middle East Studies Trends, Prospects and Challenges**, Middle East Report. Vol. ۲۷, No. ۴, PP. ۲۷-۲۹.
- Unnevehr and Stanford, ۱۹۸۵, **Technology and the Demand for Women's Labor in Asian Rice Farming**, In: Women in Rice Farming, International Rice Research Institute, Los Banos, the Philippines, PP. ۱-۲۰.
- Ward C., ۱۹۹۰, **The Child in the Country**, PP. Bedford Square Press, London.
- Whatmore, S., ۱۹۹۱, **Women in Agriculture**, Journal of rural studies, ۷ (۱/۲) (Special Issue).